

ضرورت کار فرهنگی

محمد علی پرتوی

به ناوی خودای خالقی زوبان
سلاو له رۆحی پاکی پیغه مبه
رضیت لکم اسلام دینا
نه هیلنی به موو لابداله حق
بؤلا بردنی جیایی ووه سوسه
من من وتوتو بالاچی له ناو
رۆحی برایی حبل المتینه
ئیتر تو بوچی نه خوی حقی من
راپه رینه که ی حضرتی خلیل
ئیمه یش که نه وهی نه وئیبراهیمه
ین وه کو کئی، وه کو مه وله وی کوردی
وه کو کئی، وه کو زانای تاو گوزی
وه کو کئی، وه کو مه عدومی مه شهوور
وه کو کئی، وه کو پیری سه ر شاته
به نام خدایی که زبان را آفریده و پیامبرانش بوسیله آن حق را ابلاغ کردند
سلام بر روح پاک پیامبر اسلام (ص) که راهنمای همه انسانها است و آیه
رضیت لکم الاسلام دیناً خبری است شامل حال هر مسلمانی که هرگز از حق

تجاوز نکند و در انجام اطاعت و فرمان خدا و عبودیت مانند منصور حلاج باشد و بجای خیالات واهی و تفرقه‌اندازی آیه **و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا** را در نظر بگیرد و بداند که در اسلام تفاخر نیست و عزت و برتری تنها با تقوی و پرهیزکاری است، روح برادری و قدرت همیشگی مسلمانان و رمز موفقیت دنیا و آخرت آنها در سایه انجام حکم **و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا** می‌باشد مسلم است ما وقتی مطیع فرمان خدائیم که همه با هم برادر و برابر از دشمنی و کینه و حسادت بپرهیزیم و ابراهیم‌وار بر حق بایستیم و در مقابل ستمکاران و نمرودیان قیام و مبارزه کنیم. مانند مولوی کرد که بیابان عرفان را پیمود مانند آن مولوی «تاوه‌گویزی» که مردم را به استقامت در راه خدا هدایت می‌کرد مانند آن مولوی که در دلش نور خدا بود و برای تخلص اشعاری و معرفی خود کلمه (معدوم) را انتخاب کرده بود یعنی عشق عرفانی او تا جایی بود که در عالم وجود، خود را در حال عدم می‌خواند آن مرشدی که در روستای سرشاته فوت کرده و هر کس خط و راه او را، دنبال کند از رستگاران است و اما بعد در این عصر فرهنگ مادی که انسان بی‌تابانه برای برخوردار شدن بیشتر از لذات و تسلط بر ماشین همه زیباییها را از هنر و ادبیات تا عرفان و مذهب به سوی مسلخ مرگ کشانده و همه چیز انسان آنچه را که رنگ معنویت و بوی آشنای فرهنگ بشریت دارد در کام پلید طمع و در حلقوم پست حسادتها و شکلها و شهرتهای کاذب مدفون شده است. و این یک فاجعه بزرگ است که درد نا‌کانه جامعه انسانی را بسوی ابتدال می‌کشاند.

اما در آنسوی ظلمت و تاریکی شورانگیزترین تغمه‌های معنوی از حلقوم مردان بزرگ که علم نجات و نشئه رستگاری بر دوش دارند بر می‌خیزد اینان دور از غوغای در ابتدال عشرت زیستن با تأمل‌های عمیق و سروده‌های لطیف در اشعارشان در قصائد و غزلیات عرفانی‌شان آرمانهای شورانگیز بشریت را زنده

می‌کنند این مردان بزرگ از فراز قله تاریخ، مسئولیت تعالی میراث‌های ادبی قومشان را بر دوش می‌کشند و اما بعد در عصر ما بازگشت به ادبیات و هنر گذشته و احیای ارزشهای آن یک رنسانس واقعی حائز اهمیت است این بازگشت با معرفی و شناخت چهره‌های علمی و ادبی و مذهبی کردستان مانند مولوی کرد میسر است همانگونه، که در عصر رنسانس علمای مسیحی آثار هومر، سوفوکل، هردوت و را انتشار دادند و بدینگونه ادبیات و فرهنگ محصور در اسارت قرون وسطی را آزاد و تکامل بخشیدند. و ما در نظام طاغوت جرعه تلخ دوره انگیز یسیون و تفتیش عقاید مذهبی، ادبی و ملی را چشیدیم سرمایه‌های فکری استعداد‌های عالی و اندیشه‌های بزرگ مردان ما مجال طغیان و ظهور نداشت و قهرمانان آثار ادبیات ما را همچون عصر کلاسیک به پادشاهان منحصر و شاهنامه را فرهنگ شاه و اصالت حکام مقتدر پهلوی قلمداد می‌کردند و در آن عصر، ادبیات بازیچه‌ای بود در خدمت طبقه نه ملت با رنگ تفنن و تقلید نه هنر و تحقیق و به مثابه یک درام بورژوازی و ملوک الطوائفی همانطور که فردوسی پاکزاد می‌فرماید:

بزرگان که از تخم آرش بدند	دلیر و سبک سار و سرکش بدند
به گیتی به هر گوشه‌ای بر یکی	گرفته زهر کشوری اندکی
چو بر تختشان شاد بنشانند	ملوک طوائف همی خواندند

در بحبوه این اسارت و انحطاط، یک احساس رمانیتیک که هنر و ادبیات را وسیله‌ای برای تعبیر عواطف شخصی می‌داند در هنرمندان ما پدید آمد شعر و هنر و ادبیات به صورت تراژدی فریادها و ناله‌ها، دادها درآمد و همه سخن از زندان بود و اسارت از حرمان بود و شهادت و حتی داستانهای سمبولیک ما در قالب بز و گوسفند و گرگ که شرحش نزد ما در بزرگها است حکایت از روح مضطرب انسانی است که طعمه گرگها شده است ما بر این احساس شکایتی نداریم بلکه حتی آنرا جلوه‌ای از میراث ملی خود می‌دانیم اما سخن اینجاست

که در این عصر و نظام مقدس اسلامی که اسباب رشد و تعالی فرهنگ و مذهب و ادبیات هر قومی مطابق اصول قانون اساسی فراهم است باید ادبیات و هنر از انحصار عاطفه فردی بیرون آید تا بتوانیم به ارزشهای فرهنگی جامعه مان اصالت دهیم و بر ذمه هنرمندان، صاحب نظران و همه ادیبان و ادب دوستان و تاریخ شناسان است که تمدن کهن فرهنگ ملت کرد را تحت عنوان اصالت نژادی، فرهنگی و دینی و مذهبی مورد مطالعه و مذاقه کافی و واقعی قرار دهند در زمینه اصالت نژادی سابقه کهنی را در تاریخ می بینیم چرا که بگفته دکتر اسپایزر ملت کرد از اقوام زاگرس مانند لولو، گوتی، کاسای، خالدی و نوراتور که قدمت آن به چندین سده قبل از میلاد مسیح (علیه السلام) می رسد و با جستجو در فرهنگ ملت های گذشته نام کرد را می بینیم مانند گوتی در زبان سومریها، کاردو و کاردان در زبان آشوریها، کوتیو در زبان ایرانیان کارد خوی کردوکی در زبان یونانیان، کاردوی، جوردی و جودی در زبان اعراب نشانه بارز از قدمت و اصالت این ملت است چنانچه نظر برخی از مورخان را که نسل کرد را از نژاد آریائی یعنی هند و اروپائی و از اقوام میدونایی و کاردخوی می دانند قبول کنیم و بر سخن میجرسون درباره شجاعت و روحیه دلاوری و غیرت ملت مرد صحنه بگذاریم اصالت فرهنگی این ملت را به اثبات رسانده ایم تاریخ خود شاهد این مدعا است. پر واضح، است که ملت کرد در عصر سومریها که دارای تمدن عظیم و قانون و خط بودند زندگی می کردند و شکی نیست که آنها نیز در پیدایش آن تمدن نقش بسزائی داشتند دکتر اسپایزر روادان استاد دانشگاه لندن مردم گوتی را هم عصر سومر و سومریها را آریایی می دانند همچنین اعتقادات دینی در آداب فرهنگی و نژادی ملت کرد از سده های پیش از میلاد ثبت شده است همچنانکه شوبی لکمه پادشاه هتیت نام خدای مردم کرد را گیر می داند و بروس مورخ مشهور کلدانی که در قرن سوم پیش از میلاد زندگی می کرده زرتشت را پیامبر آریان و سر سلسله ماد می داند. در خاتمه تذکر این مطلب ضروری است

همانطور که می‌دانیم ملت کرد در تمام زد و خوردها و هجومهای بزرگ بیگانگان در صف کارزار حضور داشته و از تسلط فیلیپ مقدونی بر یونان و حمله پسرش اسکندر به ایران تا کشمکش سیصد ساله اشکانی با رومیان و پیروزی ساسانیان به امپراطور روم در جنگ عثمانی‌ها و ایرانیان و تعرض اقوام و قبایل بیگانه از سیحون و جیحون و در سطح نینوا و بابل رشادتهای بی‌نظیری از خود نشان داده و به گفته امیر تیمور کردهای قوچان مردانی قوی و بی‌آزاری رشید بودند لذا تاریخ ایران تاریخ همه ملتها و عظمت و مجد و فرهنگ آن، عظمت همه فرهنگها است باید با کمکها و مساعدات خدا پسندانه دولت مردان دلسوز ایران زمینه هر چه بیشتر تعالی و رشد فرهنگی کردستان فراهم شود انشاء...

توصیه‌ای برای فرزندان کرد هر فرزند کردی باید در دامان فرهنگ اصیل کردستان دیندار عدالت خواه مرزدار دانش پرور و خردگستر تربیت شوند لازم است سجایای اخلاقی و صفات عالی اندیشمندان و بزرگان گرد الگوی تربیت و پرورش آنان قرار داد.

آشنایی با مولوی کرد رحمت ا... علیه بعنوان یک شاعر با فرهنگ کافی نیست آنچه که امروزه لازم و مقتضای زمان است تشریح فضایل و ملکات حسنه معظم له و سایر متفکران بزرگ کرد و تبعیت از اخلاق حسنه آنان است. به امید مجد و عظمت فرهنگ اسلام و ادبیات ملت کرد.
سه‌قز ئیمروکه یاقوتیکه کومه‌لگه‌ی ئه‌دیپانه

بژی ئه و خه‌لکه دلسوزه‌ی که ئه‌م ئه‌رکه‌ی له‌سه‌رشانه

هه تاکو په‌رته‌وی مابئی له پایه‌ی ئیوه ریز ئه‌گری

چونکه بۆ ریزی مه‌عدومی ده سورین چه‌شنی په‌روانه

نماینده مردم سقز و بانه